

# نویسد

(فوق العاده)

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۱۸، یکشنبه ۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۶

## قتل عام ده ها آزادیخواه در تبریز

نظارت مستقیم نظامی دهها هزار سننار و کارشناس یانکی به ستوه آمده اند، در هر فرصت و به هر بهانه، ناراضی و خشم و اعتراض خود را بروزی دهند و این روند ارتجاعی و ضد طوسی و ضد دموکراتیک را محکوم می کنند. مراسم عزای جهلمین روز شهادت مبارزان آزادی قم، میدان مناسی بودتا باروت ایمن احساسات انباشته شده در دلها، منفجر شود. و چنین شد. جمعی از شخصیت های آزادیخواه و علمای مذهبی تبریز از چند روز قبل طی اعلامیه هایی، روز شنبه ۲۹ بهمن ماه را روز عزای عمومی اعلام کرده بودند. این پاسخ خاموش و کوبیای خلق به جلا د بود، چراکه نظیر چنین اعلامیه هایی در اکثر شهرهای ایران پخش شده و از صبح دیروز تظاهرات اعتراضی و نمایشات محکوم کننده توده ها بایسته شدن بازارها و دکانها در بسیاری از شهرها و به راه افتادن سیلی از مشت های کوره کرده و جیره های برافروخته و رزمجو در برتوشعله های هیجان انگیز شعارهای آزادی، خیابانها را فراگرفت. تبریز با طلوع آفتاب، به پیشواز طلوع قیام رفت. زن و مرد، پسر و جوان و حتی کودکان، در خیابانها سرازیر شدند. موج هابه هم پیوستند و سیلاب ها به رودهای خروشان ریختند که معا بر سر را در می نوردید و در رگهای شهر با سیلان و تلاطم پیش می رفت.

خبر نگاران "نوبت" که در میان این سیل به همچنان در آمده عزاداران و عامیان استبداد بودند، گزارش داده اند: نخست هزاران نفر بودند، ساعت ۹ صبح به دهها هزار تن سر زدند، و ساعتی بعد این جنگ روینده انسانی به تمام شهر سایه انداخت، شکوه قیام نبود... خبرنگاران "نوبت" که دوش به دوش مردم در جهاد خونین و دشتناک آنان طی بیش از ۱۰ ساعت ستیز جانانه با تفنگ ها و سپس تانکها و مسلسل ها شرکت داشتند، لحظات حماسه وار این روز تاریخی را که سرانجام به مرثیه ای قهرمانی بدل شد، ثبت کرده اند. آنها می نویسند:

شمارها تند و آتشین بود و اکثر آنها بر دیکتاتور و دیکتاتوری می تاخت. مردم مجازات قاتلان شهیدای قم را می خواستند، آزادی زندانیان سیاسی را آوازی دادند و بازگشت آیت الله خمینی را به شایه سیل مبارزه جویی مذهب متروقی با دار و دسته استبدادی می طلبیدند. پلیس به خاطر

دیروز رژیم شاه خون شهیدای قم را با خون شهیدای تبریز شست. دیروز یک بار دیگر دولت مدعی مشروطه، فرزندستان ستارخان و باقر خان و علی سیوو و حیدر عو غلی را در طلب سنگر مشروطیت ایران به خاک و خون کشاند. دیروز کوجه ها و خیابانها و میادین شهر قهرمان تبریز، میدان جنگ تن به تن مردم باتانک ها و مسلسل ها بود و شعارهای آزادی چون دشتی از شقایق و گل سرخ، در توفان عزم و عصبان مردم که شهر قهرمان را برانگیخته بود، شکفت و پر پر شد.

قتل عام بی شرمانه ده ها تن از مردم آزادیخواه تبریز، درست چهل روز پس از حمام خونی که در خیابان حکومتی در قم برپا کردند، نشان داد که بین خلق های ما و رژیم از رگ و ریشه فاسدی که بختک وار به روی صحنه ما افتاده، جز گور هزاران شهید و سلسله جبال از خشم و خصومت و ستیز، هیچ رشته و پیوندی وجود ندارد. چنین رژیمی که عروسک وار سرخ های اراده اش به انگشت های امیر بالیسم جهانخواه بسته است، مدتهاست که مشروعیت خود را از دست داده و باخالی شدن از محتوای مشروطیت و ضدیت عربیان با موازین و اصول آن، قانونیت خود را نیز حتی در محدوده تنگ طبقاتی خود از دست داده است.

قتل عام بی بند و بار و بی مسئولیت تبریز یک بار دیگر ابعاد وحشت انگیز خصلت ضد مردمی و درنده خویی بی حد و مرز رژیم شاه - ساواک را به روشنی بر ملا کرد و نشان داد که اگر نیازهای هستی کرم خورده دار و دسته دیکتاتور افسانگند، کشتارده ها آزادیخواه بی دفاع در تبریز می توانند تا کشتارده ها هزار و حتی فراتر از آن، تا ایجاد کورستانهای عمومی در پهنای سرزمین زیر مهیز ما امتداد یابد.

فاحشه به خون و حماسه آمیخته و آمو زنده تبریز، از صبح دیروز با تظاهرات عمومی مردم در اماکن و مساجد و معا بر عمومی آغاز شد. این تظاهرات آمیزه ای از سوگواری برای شهیدای قم و اعتراضی به شرایط اختناق و استبدادی حاکم بر ایران بود. توده ها که از خود سری های لگام کسخته و فساد و کندی کسی درونی رژیم و وابستگی های روز افزون نظامی، اقتصادی و سیاسی آن به امیر بالیسم جهانی و غارت بی رویه و حیث و وصل فزاینده ثروت های ملی که از این رهگذر بر کشور ما تحویل میشود و نیز به بر باد رفتن استقلال کشور در تهاجم سیاسی واشنگتن و

اسلحانه گزیده های شاه ضاسب کرده بودند، در میدان دانشسرای تبریز محسه ضحاک زمانه را سنگسار کردند و از آن پس تا پاسی از شب گذشته، علی رغم حکو مستظلمی، در کویچه ها و خیابانها به مقاومت و مبارزه ادامه دادند . . . .

مد ها هزار قلب در شب در تبریز اشک را در خشم و خشم را در عزم دلیر مبارزه بی تنگی که تازه آغاز شده، و در جستجوی شکل موثر و مطلوب خویش است، پو شانند .

از عصر دیروز حکومت نظامی با قهر و خشونت بی سابقه ای شهر را در ینگال های خیزین خود می فشرد. هر کس که در معابر ظاهر می شد، توقيف می گردید. بسیاری از محصلین هنوز در مدارس خود به صورت زندانی ماند می بودند. امروز در شب يك شهر اشغال شده بود تمهین آمار و تفکات بسیار سنگین نبرد دیروز هنوز در شواراست، اما تساه صبح امر مد هانن از شخصیت ها و مبارزان تبریز یاد داشت شدند.

جنایب تکان دهنده تبریز ادامه طبیعی جنایت هولناک قم بود. این بخت های کرامی که بر سنگرش کویچه ها و اسفالت خیابانهای تبریز و قم ریختند، حقیقت زنده بودن و تسخیر ناپذیری خلق محنت کشیده و سلحشور ناست، خلقی که هر بار به خاک می افتد، از میان خاکسترو

رنج و خون خود نیرومندتر و معتقدتر به پای می خیزد. اما این خون های عزیز، در خود بیامی مقدسی را نهفته دارند که مارا به یگانگی می خوانند فاجعه قمر، مستدر سوانی ابدی جلالت تاجدار است که می خواهد از سپهر ما کورستان و از ایمان خلقی ما حمام خون بر پاکند تا بر سکوت و مرگ فرمانروایی بلا منازعی داشته باشد. اما این فاجعه در عین حال نقش حیاتی و اجتناب ناپذیر سازمانهای سیاسی و تشکل های صغیر را در مقابل و مبارزه جدی با ارکانهای انجم یافته دولتی آشکار می کند. بپراکندگی ما، پشتوانه و استمرار جهنم آریامهری است، اما تشکل و جوش خوردن مادر حز بها و گروه ها و سازمانهای سیاسی، صنفی و طبقاتی خویش و آنگاه پیوند فلز آسای این ارکان ستیزان با شترک المنافع که در شرایط موجود آرمان و احلام آن

هزار به هم می زند، تنها بشارت آزادی و ضمانت رستگاری ملی است. ما صرف نظر از آرا و عقاید و سلك های خود، خاکسترو

نشین يك دوزخیم، در يك شكبه گاه سلاخی می شویم، در يك زندان زیر فشار و بیوش و تحمیلیم، بريك تفنگ در کویچه ها و خیابان های موبین خود به خون می غلتیم. آیا این سرنوشت واحد، میوم بودن و قاطعیت و تحکم یکی شدن شت های خلقی ما و توانا کردن این مشتت شکست ناپذیر را در این یگانگی، تاکید

نی کند؟ تا وقتی به این فرساده در دنیا کی که تمام نرات جامعه ما آنرا آوازی دهد، پاسخی مطلوب بند همیم، خون های پاکسی که در آستانه آزادی در قلم و تیریز به خاک یفتد، همچنان خاک مبین ما را بسا لاله های

دانشدار خواهد پو شانند . . . .

انبوهی تظاهر کنندگان بی پروا در مقابل نخستین، حشرات هجوم به آنها رانده است، اما پس از آن که کامیون های لیبریز از پلیس به اصطلاح ضد اغتشاش و گراز های تربیت شده اونیفورم پوش سر رسیدند، حمله به تظاهر کنندگان آغاز شد. همین که صدای گلوله هادر شهر ظنین انداخت، هزاران تن از مردم با چوب و چماق و سنگ به حمله متقابل دست زدند. در خیابان کورش، چهار راه شهنواز، خیابان پهلوی، خیابان دانشسرا جمعیت با فراقان صلح شاه به هم گره خوردند، چوب در برابر گلوله، مشت در برابر مسلسل . . . و سرانجام پلیس رو به هزمت گداشت. تظاهر کنندگان خشمگین کامیون های پلیس را آتش زدند، و موتورسیکلت های پلیس را آتش زدند، قرارگاه های پلیس راهمایی را آتش زدند، حزب رستاخیز را، این لانه موشباز خفاشها را آتش زدند، اما کن وساختمانهای پلیس و مظاهر نظام آریامهری و ستم را در هم کوبیدند و شینه های آنها را غور کردند . . . و ناگهان شعله های سرکش دو دو آتش: همه جا زبانه کشید. این حریق خشم خلق بود، خشمی که وقتی لیبریز می شود، چه بسا به شو رتن بینجامد . . .

با فرار پلیس و کامیونها و تانکهای ارتش به شهر طغیان کرده حمله ور شدند. دانشجویان و بازاریان تبریز پیشاپیش هفوف مردم قرار گرفتند. خون خیابانها را فرش کرد، در اولین یورش گراز های حکومتی دها جسم روی زمین افتاد، اما در بسیاری از نقاط مردم از برابر جوخه های صلح و تانک ها و مسلسل ها نگر بختند، با چوب دستی و مشت به تانکها ناخفتند، نبود مشت بود با تانک و گوشت و استخوان با آهن و باروت، اما خون ها گل می کردند و کلبه عطر دلیری می افشانند و خلق خروشان با شمارهای آتشین به استقبال مرگ می رفت:

— آزادی یا مرگ . . .

این پاسخ به آریامهر بود، پاسخ توده ها به حزب سرکشیگر آن چنانی بود، پاسخ حقیقت به نمایشات صبور و صحنه سازیهای دلک و بارو زینه های حکومتی بود.

در محبوه هجوم و مقاومت، هلی کوپترهای نظامی و هواپیما های شکاری و بسبب افکن برای مرعوب کردن طغیان تبریز بوفسرا: شهر به حرکت در آمدند. پول نفت ملت بود که به مدد مدعیان باوه گوی حقوق بشر به صورت کا بوس و مرگ، مردم بی دفاع را به نابودی طلق و بیکارچه تهدید می نمود:

جنگتن به تن مردم با ارتش مهاجم که گویی به تسخیر شهر دشمن آمده بود پیش از ده ساعت به صورت فشرده و پراکنده ادامه داشت. و از ساعت سه بعد از ظهر تانک ها و مسلسل های سنگین در مواضع حسان تبریز مستقر شدند. از عصر لشکر تبریز برای سرکوب طغیان مردم که از بعد از ظهر از حالت جمعی به صورت پراکنده و موضعی تغییر شکل داده بود، از پادانهای عجیب شیر و مرنده یاری خواست. مردم که تا کنیک مبارزه خود را با دخالت ارتش و هجوم

## در راه ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری بکوشیم!